

# پهلوی آسان

## آموزش زبان فارسی میانه ساسانی

مؤلفان

کتایون یزدانپور  
فوزانک زنده‌سی  
نسیم حسنی بهمنی



انوارت پیر

# پہلوی آسان

## آموزش زبان فارسی میانہ ساسانی

مؤلفان

کتایون مزداپور  
فرزانه وزوایی  
نسیم حسنی مہموئی



انتشارات انشیر

۵۹۳

سرشناسه: مزدایور، کتابون، ۱۳۲۲ -  
عنوان و نام پدیدآورنده: پهلوی آسان: آموزش زبان فارسی میانه ساسانی / مؤلفان دکتر کتابون مزدایور،  
فرزانه وزوایی، نسیم حسنی مهموثی.

مشخصات نشر: تهران: اساطیر، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۳۶۸ ص (انتشارات اساطیر، ۵۹۳)

شابک: 8 - 552 - 331 - 964 - 978 - ISBN

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا

موضوع: زبان پهلوی -- رسم‌الخط و املا. Pahlavi language -- Orthography and spelling.

موضوع: زبان پهلوی -- دستور. Pahlavi language -- Grammar.

موضوع: زبان پهلوی -- واژگان. Pahlavi language -- Vocabulary.

موضوع: ادبیات پهلوی. Pahlavi literature.

شناسه افزوده: وزوایی، فرزانه، ۱۳۳۲ -

شناسه افزوده: حسنی مهموثی، نسیم، ۱۳۵۹ -

رده‌بندی کنگره: ۹۴/م۴/PIR1۷۵۳ رده‌بندی دیویی: ۴۱۰/۰۵۱۷۰۷

شماره کتابشناسی ملی: ۴۸۸۶۸۱۴

قیمت: ۴۰۰۰۰ تومان



انتشارات اساطیر

پهلوی آسان

آموزش فارسی میانه ساسانی

مؤلفان: دکتر کتابون مزدایور، فرزانه وزوایی، نسیم حسنی مهموثی

چاپ اول: ۱۳۹۶

حروف‌چینی: نصیری

لیتوگرافی: طیف‌نگار

چاپ: دیبا

شمارگان: ۴۴۰ نسخه

شابک: 8 - 552 - 331 - 964 - 978 - ISBN

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

دفتر مرکزی: میدان فردوسی، ابتدای ایرانشهر، ساختمان ۱۰ (پلاک ۸ جدید)

نمایشگاه کتاب اساطیر: کریمخان، بین ایرانشهر و ماهشهر، پلاک ۱۲۸

تلفن: ۸۸۲۱۴۷۳ - ۸۸۳۰۱۴۸ - ۸۸۳۰۱۹۸۵

## فهرست مندرجات

سرآغاز.....۷

### بخش یکم

- سرآیة بخش یکم.....۱۵
- درس یکم: آموزش حروف (۱) ..... ۱۷
- درس دوم: آموزش حروف (۲) ..... ۲۵
- درس سوم: آموزش حروف (۳) ..... ۳۱
- درس چهارم: پاره اندرز ..... ۴۱
- درس پنجم: اندرز پیشینیان.....۵۳

### بخش دوم

- سرآیة بخش دوم ..... ۶۷
- درس ششم: ارداویرافنامه (فصلهای ۲۵-۲۸ و ۴۱-۵۳)..... ۶۸
- درس هفتم: روز خرداد ماه فروردین ..... ۹۸
- درس هشتم: گل خوشبوی..... ۱۱۴

### بخش سوم

- سرآیة بخش سوم..... ۱۲۵
- درس نهم: بخشی از کارنامه اردشیر بابکان ..... ۱۲۹
- درس دهم: بخشی از یادگار زیران ..... ۱۵۶

## بخش چهارم

- ۱۸۱ ..... سرآیه بخش چهارم
- ۱۸۲ ..... درس یازدهم: ارداویرافنامه (فصلهای ۳-۱۵)
- ۲۳۲ ..... درس دوازدهم: اندرز آذرباد مارسپندان
- ۲۶۱ ..... درس سیزدهم: دادستان مینوی خرد (فصل ۱۵-۱۹)
- ۲۸۱ ..... درس چهاردهم: بندهش (چگونگی آتش)

## پیوست

- ۲۹۹ ..... سرآیه
- ۳۰۱ ..... پیوست ۱: از دیوان ملک الشعرای بهار
- ۳۱۰ ..... پیوست ۲: درایش اهریمن با دیوان (صادق هدایت)
- ۳۱۷ ..... پیوست ۳: خواش متن پهلوی بر مبنای آوانویسی
- ۳۲۶ ..... پیوست ۴: یادداشتهایی بر آوانویسی پهلوی (ترجمه از مقاله مکنزی)
- ۳۶۱ ..... کتابنامه

## سراغاز

پهلوی آسان برای سهولت بخشیدن یا، به اصطلاح همان زبان پهلوی، «آسانی دادن» به فراگیری و آموختن خط و زبان فارسی میانه زرتشتی یا پهلوی ساسانی به نگارش در آمده است. فارسی میانه صورت قدیمی و کهنیک فارسی است. متون اندکی که از آن دوران زبانی بازمانده است نه تنها بخودی خود و در نفس خود ارزشی شایان دارد، بلکه گنجینه سرشاری از واژه‌های زیبا و اصیل است و همچنین قواعد و طرزهایی در واژه‌سازی را در آنها می‌توان یافت که سخت به کار زبان امروزی ما می‌آید. از این روی است که نگارش این کتاب مقدماتی به امید گشودن راهی است آسان که، پیمودن آن، این انبار آکنده از گنجی حلال و رایگان از واژه‌های دیرینه را در دسترس خواننده و آموزنده بگذارد.

از حدود سال ۱۳۰۰ خورشیدی، در کشور ما، اندک‌اندک توجه به سوی آثار کهنسال به زبانهای قدیمی ایرانی معطوف شد. آشنایی اروپاییان با این گذشته از یادرفته دلیل اصلی پیدایش چنین منظر و چشم‌اندازی در ایران بود و خوش‌خوشک مجاهدات و تلاش در این راه آغاز گشت. توجه به واژه‌سازی و واژه‌یابی برای رویارویی با نوآمدهای فرهنگی و مادی علت اصلی این عنایت درازآهنگ، هرچند کمابیش کند و کاهلانه، بوده است و از این روی ناسزاوار؛ زیرا که بواسطه این کُنْدکاری، در برهه حساسی از زمان، زبان از یآوری بزرگ محروم ماند: واژه‌های فارسی یا مأخوذ از زبانی ایرانی، و به اصطلاح گویشی، در خود خصیصه زایایی دارند و می‌شود از هر یک از آنها واژه‌هایی دیگر ساخت و پرداخت.

همین امکان اشتقاق است که واژه‌های فارسی میانه را برای فارسی امروزی سخت سودمند و کوشندگی برای بازخوانی و بازیابی آنها را بارآور و پرثمر و بایسته می‌سازد.

پهلوی آسان امیدوار است که راهی کوتاه را پیش پای علاقمندانی بنهد که خواندن مستقیم متون پهلوی (آموزگار - تفضلی، ۱۳۷۵، صص ۱۱-۱۴)<sup>۱</sup> را اینک دشوار می‌یابند. به همین مناسبت، دستاورد تجربه و کوشندگی برای تدریس این خط و زبان، از سال ۱۳۷۰ خورشیدی، در این جزوه درسی خواهد آمد تا در اختیار خواهندگان قرار گیرد. به همراهی این تلاش، رویکرد اصلی آن است که دانشجو با انبوه کارهای استادان و کتابهایی که در این باب انتشار یافته و در دسترس است، عملاً، آشنایی پیدا کند و بهره‌برداری از رنجی را که در این راستا کشیده شده است، چونان گنجی، در دستان خود ببیند. در این راه، مرحله به مرحله، گام خواهیم زد و انتظار می‌رود که معمای آموختن خط پهلوی و چند مشکل دستوری آن آسان حل شود.

این کتاب، در وهله نخستین، برای آموختن با یآوری استاد تدوین گشته است و در آن در چهارده جلسه درس، معادل یک نیمسال دانشگاهی، آموزش خط پهلوی کتابی انجام می‌گیرد به همراهی شرح و توضیحی برای اصول آغازین و دشواریهای بنیادینی که دستور زبان پهلوی را از فارسی دری متفاوت و متمایز می‌سازد. پهلوی آسان می‌کوشد تا، با برنامه‌ریزی سودمندی، آموزش را نظم و سهولت دهد. توجه می‌فرماید که همین نظرگاه ایرانی و آموزش به فارسی‌زبان است که پهلوی آسان را برای خود ما فارسی‌زبانان نوشته است با آرزوی آن که برای فرزندان خود ما سودمند باشد و در نگارش پهلوی آسان تکیه بر همین است تا پهلوی از صورت زبانی فاضلانه و محدود به رشته‌های خاصی در دانشگاه بیرون بیاید. چنین است که امید می‌رود روشی در این آموزش به دست داده شود تا برای همه دستداران آموختن خط و زبان پهلوی سودمند باشد و نیز بویژه دانشجو به تنهایی و دور از دسترسی

۱. از این پس، در سراسر کتاب، این مأخذ با علامت اختصاری «آت» خواهد آمد.

به استاد هم قادر به فراگیری و تلاش برای یاد گرفتن و خواندن این نوشته‌های کهنه و کهنه کتابهایی گردد که اکنون دوردست و بی حاصل و بی ثمر می‌نماید.

با منظور داشتن چهارده جلسهٔ درسی برای نیمسال دانشگاهی، پهلوی آسان در چهار بخش تنظیم شده است. طبعاً، در بخش یکم، به آموختن خط پهلوی خواهیم پرداخت که با خاکساری و شرمندگی می‌دانیم که کاری است نه چندان آسان. پس از مرحلهٔ دشوار آغازین، تمرین برای خواندن متن پهلوی انجام می‌گیرد. در این بخش از کتاب، بویژه نمونه‌هایی از آثار استادان سرشناس زبان پهلوی، که کارشان جنبهٔ بنیادین و مدرسی یافته است، آورده می‌شود که هر چند آشنایی با آنها بیگمان فراهم است، اما شاید جمع آوردن آنها در یکجا گاهی دشوار باشد و در کنار هم نهادن این دستاوردهای پژوهشی، که به اصطلاح کلاسیک به شمار می‌روند، دست دانشجو را باز و آزاد می‌گذارد. در بخش سوم، باز، با بهره‌گیری از آثار استادان بزرگ زبان پهلوی، با شیوه‌های مختلف خوانش و آوانویسی در این زبان دیرپای و پُرسخن، آشنا خواهیم شد و به مقایسهٔ آنها خواهیم پرداخت. سرانجام، در بخش چهارم، متونی بیشتر برای قرائت در اختیار دانشجو قرار خواهد گرفت.

در بخش نخستین، که مشتمل بر پنج درس است، با تکیه بر مشابهت خط پهلوی با فارسی، گام به گام، قریب چهارده حرف پهلوی و خصائص متنوع آنها در ترکیب گشتن و قرائت توضیح داده می‌شود. جز شرح جزئیات، که بویژه دانشجو را، هرگاه استاد و آموزگار در دسترسش نباشد، امید که یاری کند، برنامه‌ریزی برای تمرین نیز سخت «اندرکار» و مطمح نظر است؛ زیرا که پهلوی هم زبان است و طبعاً، بنا بر یک قاعدهٔ عام، آموختن هر زبانی نیاز به تمرین کردن دارد. جدول، که آموخته‌ها را دسته‌بندی و خلاصه کند، شرح و اوصاف را همراه خواهد بود. روشن است که حضور استاد در این بخش از آموزش زبان پهلوی یاوری بزرگ است و فقط در غیاب او است که مجاهدت دانشجو به تنهایی، با صرف وقت و پرداخت هزینه از دقت و ممارست، جایگزین نبودن وی شاید بشود.

از آنجا که پهلوی آسان جز ثمرهٔ سالهای متمادی تدریس نیست، و از آنجا که تدریس طبعاً جز با رجوع به آثار و نوشته‌های شناخته و بنیادین استادان مسلم



امکان نمی‌پذیرد، طبعاً ارجاع دادن و ذکر نام مراجعی که هم استاد و هم دانشجو ناگزیر باید دست به دامان آنها زند، ضرورت داشته است.

به بیان صریح‌تر، این کتاب درسی در پیوند تام است با آن آثار اصلی و ارزنده، و می‌کوشد تا کلیدی باشد برای بهره‌برداری از آن نوشته‌ها که، در پایان هر بخشی از کتاب، با عنوان «خواندنیهای بیشتر» نامشان آمده است و خواندن آنها و بهره جستن از آن منابع سودمند بخوبی راهگشا خواهد بود و پُرثمر. به همین مناسبت است که «خواندنیهای بیشتر» نام آخرین قسمت و پارهٔ آخرین از درسهای کتاب است: در هر چهار بخش از پهلوی آسان. به تعبیری دیگر، «خواندنیهای بیشتر» عنوانی است برای آشنایی دانشجو با متونی که در این باب در دسترس است و تا حد توان در پهلوی آسان چنان آورده شده است که یافتن و به دست آوردن آنها دشوار نباشد.

دومین بخش کتاب به تمرین بیشتر در آموخته‌های پیشین اختصاص دارد. در درس نخستین آن (جلسهٔ ششم)، بویژه بر توضیح و آموزش صرف فعل ماضی به شیوهٔ موسوم به ارگاتیو (ergative) تکیه و تأکید است همراه با تمرین بیشتر برای یادگیری آوانویسی و حرف‌نویسی. برای توضیح این مقولهٔ دستوری، نمونه‌هایی از متن ارداویرافنامه، گزارش فیلیپ ژینیو (Gignoux) و با برگردان استاد گرانمایه، سرکار خانم دکتر ژاله آموزگار، و نیز ترجمهٔ شادروان استاد دکتر مهرداد بهار در پژوهشی در اساطیر ایران و ترجمهٔ شادروان استاد دکتر رحیم عفیفی، نقل شده است. در درس دوم (جلسه هفتم)، رسالهٔ معروف «روز خرداد ماه فروردین» با قرائت شادروان استاد دکتر صادق کیا می‌آید و سپس، در درس سوم، شکل متفاوتی از نوشته‌های پهلوی، یعنی چند بند از «خسرو و رهی» را می‌آورد، که از خوشبوترین گلها می‌گوید، و خوانش بسیاری از واژه‌های آشنا و اغلب معروف این متن کوتاه دستاورد زحمت و ذوق چند نسل از پژوهندگان است. در این چند درس، جز محض تمرین و خوانش متن، آشنایی با شیوه‌های گوناگون کار بر نوشتگان پهلوی هم مطرح نظر است. اگر استاد درس بدهد، توضیح وی کارساز خواهد بود؛ و نیز طبعاً همهٔ حجم درس در یک جلسه نخواهد گنجید و تکرار و شرح وی کمبود

وقت را جبران خواهد کرد؛ وگرنه، دانشجو، با صرف وقت بیشتر، خود بر دانسته‌های خویش در این باب خواهد افزود.

آنگاه در بخش سوم، سخن از اختلاف در شیوه‌های آوانویسی و تفاوت آنها خواهد رفت و در دو درس، چند نمونه از این اختلاف و تفاوت نظر خواهد آمد. نخست پاره‌هایی از اثری کلاسیک، یعنی *کارنامه اردشیر بابکان* گزارش شادروان استاد بهرام فره‌وشی، و نیز برگی از *دستورنامه پهلوی نیبرگ*؛ سپس همراه آنها، برگردان پاره‌هایی از همان، با قرائت فرانس *گرونه (Grenet)* فرانسوی آورده خواهد شد تا نمایی از این اختلاف در شیوه قرائت ترسیم گردد. در آخر، تصویر نمونه دیگری از پژوهشها در این باره می‌آید که حکایت از تلاش برای بازخوانی *کارنامه اردشیر بابکان* و تحقیق در آن به زبان گرجی دارد. در درس دیگر، دانشجو خود خواهد کوشید تا خوانش استاد مسلم ادبیات پهلوی، شادروان هنریک ساموئل نیبرگ (Nyberg) را از بخشی از حماسه دیرینه‌سال، موسوم به *یادگار زریران* دریابد و سپس همچنین شیوه قرائت روانشاد استاد یحیی ماهیارنوبی را خواهد توانست با آن، و با برگردان خدایامرز استاد مهرداد بهار از آن به سنجش درآورد.

بخش پایانی *پهلوی آسان* باز هم به آوردن متونی بیشتر برای خواندن و ممارست می‌پردازد. در این بخش، نوشته‌هایی آمده و گردآوری شده است که برای یافتن آنها طالب و دانشجو باید به کتابها و کتابخانه‌ها و چندین جای مختلف و پراکنده مراجعه کند. از این روی است که آوردن آنها، افزون بر یاد کردن از استادان پژوهنده آن آثار و احترام به ایشان، همان تسهیل و «آسانی دادن» به آموختن زبان پهلوی است.

گذشت که پایه *پهلوی آسان* جزوه تدریس زبان پهلوی ابتدایی بوده است. تجربه تدریس این شیوه را دوست ارجمند، سرکار خانم فرزانه وزوایی، نیز تکرار کرده است. سپس بازخوانیهای مکرر و بویژه ویرایش ایشان، این کتاب را به صورت کنونی درآورده است. آنگاه زحمات درازآهنگ و نیز مهارت و توانمندی خانم نسیم حسنی مهموئی در کاربرد ابزارهای جدید رایانه‌ای، به همراهی آشنایی با زبان پهلوی، *پهلوی آسان* را شکل داد. از یاوریهای خانم زهرا امینی و خانم دکتر نادیا

حاجی پور و خانم دکتر فرزانه گشتاسب هم بهره برده‌ایم. سرکار خانم دکتر فرنگیس پرویزی، با گشاده‌دستی و لطف همیشگی، به ویرایش کتاب پرداختند. نیز مهربانی و همکاری آقای مهندس بهرام برومند در کتابت متن یاور بوده است.

ویژگی پهلوی آسان، که تکیه زدن بر آثار استادان بزرگ را می‌طلبد، ناگزیر ما را واداشت تا از کتابهای متعددی یاری بخواهیم و برخی از آنها کهنه کتابهایی کمیاب و نادر بودند. سرور ارجمند جناب آقای سید محمدکاظم موسوی بجنوردی، و استاد گرامی سرکار خانم دکتر سوسن اصیلی در این راه ما را یاری فرمودند از ایشان، و نیز سرکار خانم دکتر نادره نفیسی بویژه سپاسگزاریم و البته از همکاری دوست نازنین سرکار خانم زهره کاظمی.

پهلوی آسان بویژه مرهون استادانی است که از آثارشان بهره گرفته است و افتخار دارد که آموزندگان را برای بهره‌جویی از نتیجه کار و زحمات آن بزرگان هدایت کند. آوردن نام این استادان بخشی است از کوشندگی برای آموزش زبان پهلوی و البته نامهای بلند دیگری هم هست که دانشجو، بعداً، بتدریج با آنها آشنا خواهد شد. تلاش پهلوی آسان بر آن بوده است که راهی برای آشنایی با آثار این استادان بگشاید. نیز به موجب بهره‌گیری فراوان از بازمانهای علمی شادروان دکتر احمد تفضلی، پهلوی آسان بر خود خواهد بالید که نام و بزرگداری حضور پایدار و یادگارهای استوار و زنده استاد در فرهنگ پاینده و شکوفای ایران بر آن زیور باشد.

با سپاسگزاری از همه این یاوران و بزرگواران، فزونتر آن که از راهنمایی و همدلی جناب آقای ناصر زعفرانچی مقدم تشکر می‌شود و، به فرجام، نشر کتاب مدیون آقای عبدالکریم جریزه‌دار و انتشارات اساطیر است که رسیدن آن را به دست دوستداران زبان فارسی و ادب شکوهمند و بلندآوازه آن میسر ساختند.

با سپاسداری و آرزوی بهترین شادی

کتایون مزداپور

نوروز ۱۳۹۴ خورشیدی

بخش یکم

## سرآیه بخش یکم

در پنج درس به آموختن خط پهلوی همت خواهیم گماشت. خط پهلوی همان طبیعت و دشواریها و خوبیهای خط فارسی را دارد. حُسن آن، آن است که وقتی کلمه را یکبار، با شکل شناخته‌اش، یاد گرفتیم، دیگر همیشه آن را بلد هستیم، و مثلاً «همیشه» را «همیشه» می‌خوانیم: «همیشه»؛ البته مگر این که اعراب مسأله بسازد، و «حسن» را ندانیم که آیا باید «حَسَن» خواند یا «حُسَن»: اینها را هم ضمن کار یاد می‌گیریم. بنا بر این، یاد گرفتن خط پهلوی برای ما چندان هم مشکل نیست و اگر خط فارسی را هم تازه می‌آموزیم، زحمت یاد گرفتن این هر دو خط با هم برابر است و آموختن یکی به دیگری کمک می‌کند.

اما تفاوت‌هایی هم در کار است: مثلاً در پهلوی، ابتدا بساکن یا خوشه همخوان آغازین هم هست و در فارسی نیست؛ چنان که برای مثال: setāyesh (ستایش) فارسی در پهلوی می‌شود stāyišn (حرف ā را با خطک بر بالای آن بخوانید: «آ»، برابر با aa؛ و با n پایانی؛ i هم در آوانویسی پهلوی نشانه است برای کسره و برابر با واکه یا مصوت e. برای نوشتن واج «ای»، مثلاً در «ایران»، نشانه ā را به کار می‌بریم و برای مصوت «او» در «او، وی» نشانه ū را، با یک خطک بر بالای حرف (ū).

توجه می‌فرمایید که نشانه š برای شین (برابر با sh) آمده؛ و برای مصوت یا واکه «آ» (در «بابا» و «آمد»)، ā به کار رفته است. برای نوشتن این مصوت (کلمه دیگر برای مصوت «واکه» است، در تقابل با صامت، که واژه دیگر برای آن،

«همخوان» است) فارسی، یعنی «آ»، که همانند است با معادل قدیمی خود در پهلوی، در برگردان به خط بین‌المللی، علامت ā را به کار می‌بریم و آن را با ā یا aa می‌نویسیم تا «شاهین» و «شهین»، هر دو تا نشوند shahin و این دو تا یکسان به نگارش در نیابند. خلاصه و راهنما برای این سان شیوه‌ها در جدول پایانی هر درس ضبط شده است و برای آموختن آنها فقط کمی حواس جمع لازم است، و پرداختن به جمع و تفریق، با عزم آموختن! سپاس اورمزد و شکر خدا، که این هر دو تایش که لازم است در دسترس است، و سهل، هر چند که البته ممتنع، که می‌شود: سهل و ممتنع!

آخر سر، از خواندنیهای بیشتری یاد می‌شود که قرائت آنها خیلی هم ضرورت دارد. همچنین در سراسر متن به کتابنامه ارجاع هست، که کار را سهولت می‌بخشد و «آسانی می‌دهد»: بفرماییم؛ به نام خدا!

## درس یکم

در این درس می‌آموزیم:

### ووم سوس ۱۳ - ویرم سوس - (سین) - (سوس)

#### واژه اول: ووم سوس ۱۳

(۱) حرف اول: **و** (سین، s).

مثل خط فارسی، حرف **و** (سین) دندانه دارد.

در پهلوی هم، مثل خط فارسی، برخی از حرفها به حرف بعدی خود می‌چسبند. در فارسی به این حروف متصل یا چسبان می‌گوییم، مانند سین و شین (س، ش). برخی دیگر به حرف بعدی خود نمی‌چسبند، به این حروف منفصل یا جدا می‌گوییم، مثل دال و الف (د، ا). حرف اول (**و**) در واژه اول عبارت پهلوی بالا «چسبان» است.

حرف **و** را در برگردان به خط بین‌المللی برای خواندن متون پهلوی با s می‌نویسند (آت: ص ۵۲، حرف شماره ۹).

(۲) حرف دوم: **س** (ت، t).

حرف **س** در خط پهلوی به حرف بعدی خود نمی‌چسبند و منفصل است (آت: ص ۵۳، ش ۱۳).

حرف **س** همیشه به همین صورت نوشته می‌شود؛ یعنی در خط پهلوی هم، مثل فارسی، گاهی شکل نوشتاری حروف، بنا بر بافت نگارشی خود تغییر می‌کند، مثل حرف جیم (ج) در این مثالها: «جاجم»، «باج»، «کج»، «حجیم» (البته در خط نگارش دستی یا به اصطلاح «تحریری و نستعلیق»). حرف اول واژه اول، یعنی **و** به مناسبت آن که در کنار **س** آمده است این شکل را دارد، اما امکان آن هست که

شکلش عوض شود؛ در حالی که شکل حرف ۴ که حرف چسبان نیست، کمابیش همه جا ثابت می‌ماند.

(۳) حرف سوم: 𐭠 (الف، ā).

در برگردان خطی یا حرف‌نویسی علامت<sup>۳</sup> برای آن می‌آید. این حرف متصل است (آت: ص ۴۹، ش ۱).

(۴) حرف چهارم: 𐭡 (ی، y، دندان‌ه).

این حرف متصل است (آت: ص ۵۰، ش ۳).

(۵) حرف پنجم: 𐭢 (شین، š).

این حرف متصل است (آت: ص ۵۳، ش ۱۲) و دندان‌های آن تغییر شکل می‌دهند (اصولاً همه دندان‌ها، از جمله حروف سوم و چهارم که دیدیم، در خط پهلوی شکلشان عوض می‌شود).

(۶) حرف ششم: 𐭣 (نون، n).

این حرف به حرف بعد از خود نمی‌چسبد و منفصل است (آت: صص ۵۰-۵۱، ش ۴).

(۷) حرف هفتم: 𐭤 (الفک زائد، ').

این حرف همان شکل حرف بالا را دارد و با آن یکی است.

در خط پهلوی هم، مثل فارسی، گاهی یک حرف دو یا چند جور خوانده می‌شود، مانند حرف «ی» در خط فارسی که در واژه «پیر» نشان واج i (ای) است و در واژه «یار»، این نشان برای واج y (ی) است.

### چطور کلمه را بخوانیم؟

برای خواندن آن، دو اصطلاح را یاد بگیریم: یکی حرف‌نویسی (transliteration) و دیگری آوانویسی (transcription) (آت: صص ۴۷-۴۸). حرف‌نویسی برگردان حرفی و فقط حروف است در نگارش و به خط و کتابت برمی‌گردد، و آوانویسی



برگردان آوایی واژه و تلفظ است. به بیان دیگر، صورت نگارشی واژه پهلوی با صورت تلفظی آن انطباق کامل ندارد. علت نخستین چنین عدم انطباقی آن است که مصوت‌های کوتاه در خط پهلوی نمی‌آیند، درست مثل خط فارسی.

حرف نویسی واژه **𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮** می‌شود **st'yšn** و آوانویسی آن: **stāyišn** و معنای آن همان «ستایش» فارسی.

### توجه می‌فرمایید که:

- در **stāyišn**، حرف **n** (نون) هست که در فارسی حذف شده است (آت: صص ۸۳-۸۵؛ ابوالقاسمی، ۱۳۸۷: صص ۳۱۴-۳۱۵).
- در پهلوی، خوشهٔ صامت آغازین یا به اصطلاح ابتدا بساکن هست. این ویژگی در فارسی کنونی نیست و چنین تغییری در واج‌آرایی (phonotactics) زبان از روزگار به نگارش در آمدن نوشته‌های مانوی آغاز شده است و آثارش در خط آن نوشته‌ها ضبط است (مزدایور، ۱۳۹۰: صص ۴۰۹-۴۱۱).

### واژهٔ دوم: 𐭮

حرف نویسی کنیم **Y** ( با حرف لاتین بزرگ، لطفاً نگاه کنید به درس سوم)؛ آوانویسی: **I**. این واژک نشانهٔ اضافه است، برابر با کسرهٔ اضافه در زبان فارسی (ناتل خانلری، ۱۳۶۶-ب: صص ۸۶-۸۸).

(برای این واژک ← آت: ص ۱۳۲، سرواژهٔ اول).

### واژهٔ سوم: 𐭮𐭥𐭮𐭥𐭮

(۱) حرف اول: **𐭮** (دندان؛ مثل حرف چهارم از واژهٔ اول ← آت: ص ۵۰، ش ۳).

گذشت که شکل دندانه‌ها در خط پهلوی عوض می‌شود، درست مثل فارسی، مثلاً «ی» در «یاد» و «بیچ» (البته در خط تحریری و نستعلیق

و نگارش عادی با دست). اما اشکال خط پهلوی در مقایسه با خط فارسی این است که حروفش نقطه ندارد و مثلاً «پیچ» و «پنج» مثل هم نوشته می‌شوند، و بی‌نقطه. این دندان، پس، اولاً، شکلش تغییر کرده است، چون حرف متصل است و به حرف بعدی خود می‌چسبد؛ ثانیاً، می‌دانیم که دال (d) است. آن را حرف نویسی می‌کنیم به d و می‌خوانیم d (دال) (← آت: ص ۵۰، ش ۳).

(۲) حرف دوم: 𐭥 (الف، ā، در حرف‌نویسی<sup>۲</sup>).

این حرف همان حرف سوم در واژه اول است. چون دو تا دندان دارد و به حرف پس از خود می‌چسبد، هرگاه حرف پس از آن هم چسبان باشد، با بافت نگارشی خود آسان سازگاری می‌یابد و به اشکال گوناگونی درمی‌آید (نگاه کنید به جدول ۱-۲). پس این حرف که آن را پیشتر آموخته‌اید (آت: ص ۴۹، ش ۱)، در اینجا غریبه به نظر می‌رسد، اما چنین نیست: این همان ā (آ، الف) است.

(۳) حرف سوم: 𐭥 (آت: ص ۵۳، ش ۱۳).

شکل آن همان است که در واژه اول یاد گرفتیم. بنا بر این، حرف‌نویسی می‌شود به صورت t، اما آن را باید d آوانویسی کرد. در اینجا باید مفهوم **املای تاریخی** را یاد بگیریم: «در اغلب خطوط معمول جهان، املای تاریخی وجود دارد؛ یعنی صورت مکتوب کلمات نشان‌دهنده تلفظی است که آن کلمات، در هنگامی که نخستین بار به آن خط نوشته می‌شده است، دارا بوده‌اند. مثلاً، در خط فارسی، واژه‌های «خواهر» و «خواب» املای تاریخی دارند، یعنی زمانی که این کلمات به این خط نوشته شده، آوای «خو» وجود داشته است. بعدها این آوا به صورت «خ» تحول پیدا کرده است، اما از آنجا که خط، بر خلاف زبان، تحول نمی‌یابد، همچنان این املا مراعات می‌گردد. بنا بر این صورت مکتوب و ملفوظ کلمات با یکدیگر اختلاف دارند» (آت: صص ۴۶-۴۷). البته برخی همین حرف را در همین واژه همان t می‌خوانند (← بخش سوم همین کتاب).

(۴) حرف چهارم: 𐭥 (الف، ā).

قبلا این حرف را یاد گرفتیم.

(۵) حرف پنجم: **د**، I (لام).

این را حرف نویسی می‌کنیم به I (لام)، و چگونه آن را آوانویسی کنیم؟ در اینجا، آن را بخوانیم: **د**؛ زیرا که حرف **د** را گاهی I (لام) و گاهی **ر** (ر) باید خواند (آت: ص ۵۲، ش ۷). این حرف متصل است و به حرف بعد از خود می‌چسبد، اما شکلش خیلی دگرگون نمی‌شود. پس، واژه حرف نویسی می‌شود به **d<sup>h</sup>t<sup>h</sup>l** و خوانده می‌شود **dādār** (آت: ص ۱۳۴، سرواژه هشتم) و همان واژه «دادار» فارسی است: «دادار، آفریننده؛ دهنده» (همان جا).

واژه پنجم: **سوم**

واژه پنجم **سوم**، یعنی «راد» را آیا می‌توانید بخوانید؟ همه حروف آن را یاد گرفته‌اید: (۱) حرف اول آن مثل حرف آخر **سوم** است، یعنی I (لام) حرف نویسی می‌شود و خوانده می‌شود **ر** (ر).

(۲) حرف دوم آن مثل حرف دوم و چهارم **سوم** است که می‌شود همان حرف سوم در **سوم** (ستایش) یعنی **ā** (الف).

(۳) حرف سوم واژه **سوم** هم **t** (ت) است. در اینجا هم **سوم** مانند آن که در واژه **سوم** دیدیم خوانده می‌شود **d**؛ یعنی **l<sup>h</sup>t<sup>h</sup>** حرف نویسی کنیم و بخوانیم **rād** (مکنزی، ۱۳۷۹: «راد، بخشنده»).

واژه هفتم: **سوم**

(۱) حرف اول: **د**؛ حرف نویسی: I و آوانویسی: **ر** (آت: ص ۵۲، ش ۷).

(۲) حرف دوم: **س**؛ حرف نویسی کنیم<sup>۳</sup> و بخوانیم **ā** (آت: ص ۴۹، ش ۱).

(۳) حرف سوم: **س**؛ حرف نویسی و آوانویسی: **s** (آت: ص ۵۲، ش ۹).

۴) حرف چهارم: 𐭑؛ حرف نویسی و آوانویسی: t (آت: ص ۵۳، ش ۱۳).  
خواندن واژه آسان است: 1<sup>st</sup> که می شود: rāst (آت: ص ۱۴۹، سرواژه  
چهاردهم: «راست؛ دقیق، درست، برابر».)  
پس حرف نویسی جمله می شود:

st<sup>o</sup>yšn Y d<sup>o</sup>t<sup>o</sup>l Y l<sup>o</sup>t Y 1<sup>st</sup>

و آوانویسی آن:

stāyišn ī dādār ī rād ī rāst

و ترجمه به فارسی: «ستایشِ دادارِ رادِ راست».

حروف زیر را از الفبای پهلوی آموخته ایم:

### ۱-۱. حروف الفبای پهلوی (درس یکم)

حرف پهلوی	حرف نویسی	آوانویسی	معادل فارسی
𐭑	s	s	س (سین، s)
𐭒	t	d, t	ت (t)، د (دال، d)
𐭓 / 𐭔	'	ā	آ (ā / aa)
𐭕 / 𐭖	Y, d, y	d, y	ی (y)، ای (i)، د (دال، d)
𐭗	š	š	ش (شین، š/sh)
𐭘	n	n	ن (نون، n)
𐭙	l	r, l	ل (لام، l)، ر (r)

جدول ۱-۲. اتصال حروف پهلوی درس یکم




حروف پهلوی	و	م	س / پ	د / و	س	ا	د
و/و	وو	م	س	د	س	ا	د
م							
س / پ	س	پ	س	س / پ	س	پ	س
د / و	د	و	د	د / و / س / و	د	و	د
س	س	پ	س	س / پ	س	پ	س
ا							
د	د	و	د	د	د	و	د

## تمرین

۱. آیا می‌توانید با حروفی که آموخته‌اید، واژه‌های زیر را به پهلوی بنویسید:  
سار، تار، شاد، آسان، طاس، شایان، سردار
۲. آیا می‌توانید نام خود را به خط پهلوی بنویسید؟
۳. ده بار واژه‌های پهلوی را که آموخته‌اید با آوانویسی و حرف‌نویسی آنها بنویسید.

زبان را جز با تمرین نمی‌شود آموخت و پهلوی زبان است.

## خواندنی‌های بیشتر<sup>۱</sup>

- تاریخ زبان فارسی (ابوالقاسمی، ۱۳۸۸- الف) 
- تحول معنی واژه در زبان فارسی (ابوالقاسمی، ۱۳۵۵) 
- دستور زبان فارسی (ناتل خانلری، ۱۳۶۶- ب) 

۱. برای نشانی کتاب ← کتابنامه

## درس دوم

در این درس می‌آموزیم:

𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥

(متن‌های پهلوی، ص ۷۸، س ۲)

### واژه اول: 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥

(۱) حروف اول و دوم و سوم را می‌شناسیم.

(۲) حرف چهارم: و

این حرف همان دندانه است (آت: ص ۵۰، ش ۳) که به علت اتصال به حرف بعد از خود به این شکل در آمده است. آن را *ya* حرف نویسی می‌کنیم و در آوانویسی، آن را مصوت *ā* می‌خوانیم.

(۳) حرف پنجم: *vd*، که پس از *v* با آن ترکیب شده است: *vd*؛ این حرف، خلاف موارد پیشین، *ā* نیست بلکه باید آن را *h* حرف نویسی کرد و *h* (ه) خواند: *ih-*. پسوند *-ih* در پهلوی اسم معنی می‌سازد (آت: ص ۸۵؛ ابوالقاسمی: ۱۳۸۷، ص ۳۲۶) و در فارسی *h* پایانی آن حذف می‌گردد. پس حرف نویسی این واژه می‌شود *l'ptyh* و آوانویسی آن: *rādīh* (آت: ص ۱۴۹، سرواژه شانزدهم): «رادی، بخشندگی».

### واژه دوم: 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥

(۱) حرف اول: *vd* (کاف، *k*).

این حرف *k* (کاف) است در حرف نویسی و آوانویسی (آت: ص ۵۱، ش ۶).

(۲) حرف دوم: ا (الفک).

این حرف که قبلاً هم آن را داشتیم، صورتی واحد با قرائتهای متفاوت دارد (آت: صص ۵۰-۵۱، ش ۴). در اینجا ۲ (ر) حرف نویسی و آوانویسی می‌شود.

(۳) حرف سوم: ۴ (t, ت).

حرف ۴ (آت: صص ۵۳، ش ۱۳) را قبلاً یاد گرفتیم.

(۴) حرف چهارم: ا (الفک).

الفک را این بار باید n (نون) حرف نویسی و آوانویسی کرد.

(۵) حرف پنجم: ا (الفک).

حرف ا (الفک) در اینجا، در آخر مصدر فعل آمده است و زائد است مانند آنچه در آخر واژه **𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥** در آغاز درس اول دیدیم، با حرف نویسی که قرائتی ندارد.

پس این واژه به صورت **krtn** حرف نویسی می‌شود و آوانویسی آن **kardan** است.

حروف واژه سوم را در درس قبلی (واژه آخری) بصورت **𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥** ( = **rāst** 1'st) و بخش دوم آن را در واژه نخستین از همین درس، یعنی **rādih** خواندیم؛ پس روی هم رفته: **rāstih** (آت: صص ۱۴۹، سرواژه دوازدهم: «راستی»).

### واژه چهارم: 𐭠𐭣𐭥𐭥𐭥𐭥

(۱) حرف اول: ۷ (دندانه؛ آت: صص ۵۰، ش ۳).

این بار دندانه **g** (گاف) حرف نویسی و آوانویسی می‌شود و چون به الفک چسبیده است، چنین نگارش یافته است.

(۲) حرف دوم: ا (الفک؛ آت: صص ۵۰، ش ۴).



الفک این بار در حرف‌نویسی w و در آوانویسی u است، و ازیرا است که «با در نظر گرفتن واج‌شناسی تاریخی» (آت: ص ۵۰) چنین خوانده می‌شود. تلفظ guftan درست مثل «گفتن» در فارسی خودمان است.

(۳) حرف سوم: 𐭪 (حرف‌نویسی: p و آوانویسی: f؛ آت: ص ۵۲، ش ۱۰). این حرف منفصل است و به حرف بعد از خود نمی‌چسبد.

(۴) حروف چهارم و پنجم و ششم واژه را می‌شناسیم که به ترتیب t و n و الفک زائد است.

پس قرائت واژه 𐭪𐭥𐭥𐭥 می‌شود guftan و حرف‌نویسی آن: gwptn' (آت: ص ۱۳۶، سرواژه ششم: «گفتن»).

جمله را باید چنین حرف‌نویسی کرد:

l'tyh krtn' l'styh gwptn'

و چنین آوانویسی کرد:

rādīh kardan, rāstīh guftan

معنای جمله می‌شود: «[باید] رادی کردن [و] راستی گفتن».

### تمرین کنیم:

با مجموع حروفی که آموخته‌ایم، به شرط آن که فقط یک حرف 𐭥 (میم؛ آت: ص ۵۲، ش ۸) را هم یاد بگیریم که به صورت m آوانویسی و حرف‌نویسی می‌شود و آن را باید حرفی منفصل به شمار آورد که اغلب به حروف بعد از خود نمی‌چسبند، آن وقت خواهیم توانست جمله زیر را بخوانیم و حرف‌نویسی و آوانویسی کنیم:

𐭪𐭥𐭥𐭥 𐭪𐭥𐭥𐭥 𐭪𐭥𐭥𐭥 𐭪𐭥𐭥𐭥

(متن‌های پهلوی، ص ۷۸، سطرهای ۱۲ و ۱۴)

با این حرف‌نویسی:

l'mšn Y mynwkw gl'mygd'štn'

و این آوانویسی:

rāmišn ī mēnōg grāmīg dāštan